



۲۰۱۶/۰۵/۱۴

سید هاشم سدید

فکر می کنم به قدر کافی مُسکِن تجویز شده است!

خوانندگان عزیز این نوشته بی گمان اطلاع دارند که شهر زیبا و تاریخی لندن در حال حاضر میزبان جلسات مبارزه با فساد است. آقای "اشرف غنی"، رئیس جمهور زور زورکی افغانستان نیز یکی از کسانی است که در این اجلاس اشتراک ورزیده است.

افغانستان قرار گرفته خیلی از انسان ها، افغان و غیر افغان، هم مردمان عادی و هم مردمان صاحب نام و مقام، حتی حامیان غربی کرزی و غنی، یکی از کشور هایی است که تا فرق در لجنزار فساد اداری غرق است.



آقای "کامرون"، صدراعظم بریتانیا، که اخیراً ضمن دیدار با الیزابت دوم ملکه بریتانیا افغانستان را در کنار نیجریه از جمله فاسد ترین کشور های روی زمین خواند، یکی از همین شخصیت ها و سیاستمداران صاحب نام و مقامی است که کشورش در انکشافات اخیر کشور ما یکی از بازیگران مهم و اثر گذار می باشد.

برخی از هموطنان ما نیز که از جهات عدیده نسبت به بی کفایتی و فساد و نفاق افگنی نظام فعلی و نظام قبلی در میان مردم معترض هستند، در اولین روز کانفرانس لندن برای ابراز خشم و نارضایتی خویش از طریق اعتراضات تجمعی و وسیع در نزدیکی محل جلسه، با حمل پلاکارت ها گرد آمده بودند.

قرار شنیدگی دو سه نفری با فریاد های بلند آقای اشرف غنی را دروغ گو و تبعیض طلب و چیز هایی مانند این سخنان خطاب کرده خواهان آن شدند که دولت بریتانیا پول مالیات مردم این کشور را با کمک به افغانستان، که اسیر پنجه افراد فاسد است، به باد ندهد. و...

روشن است که در این مورد هم، مانند سایر موارد، مطالب، قضایا و انکشافات در کشور ما، مردم به دو یا سه دسته تقسیم شده اند. برخی سکوت اختیار کرده، بعضی به نکوهش این سخنان و به دفاع از آقای اشرف غنی پرداخته و تعدادی هم با توجه به این که سخنان این هموطنان ما عین واقعیت هستند، از معترضان جانبداری کرده اند.

نگارنده که از جمله افراد گروه سوم است، به دو دلیل از تجمع افغانان و از سخنانی که آن ها در برابر آقای اشرف غنی به کار برده اند، همچنان نظر شان در باب جلوگیری از حیف و میل پول مالیه مردم بریتانیا و سایر کشور های امدادگر به افغانستان پشتیبانی می کند:

۱- فساد اداری در افغانستان چیزی نیست که از کسی پنهان باشد. قسمی که یاد شد، همه مردم جهان از این موضوع شرم آور برای ما با خبر هستند. موضوع فساد اداری، اختلاف و کشمکش بر سر تقسیم قدرت، تخلف در انتخابات ریاست جمهوری، ناتوانی دولت در مبارزه علیه مواد مخدر و رفع بیکاری و زدودن فقر و تأمین امنیت و قلع و قمع گروه های تروریستی، جیبونی در برابر تلاش های سکتاریستی زورمندان دولتی، اعم از سنا و شورای ملی و قوه قضائیه و قوه مجریه برای رسیدن به منافع

فردی و خانوادگی و منطقه‌ئی و...، سرکوب غاصبان ملک و زمین مردم، عاجز آمدن در برابر زورگویی‌ها و مداخلات مبرهن پاکستان، ناتوانی در محو جواسیس و دست پروردگان دولت‌های بیرونی، درماندگی در مبارزه علیه گروه‌های گونه‌گون مافیا و غیره و غیره، مانند آفتاب روشن است؛ که با هیچ هنری با دو انگشت پنهان نمی‌شود - هر قدر پندارگرایان کوتاه بین و متوهم بکوشند آن را پوشیده نگه دارند. دامن دولت فاسد، از بخت بد مردم ما که از بی‌حرکتی و قناعت به هر خواری لایق همین گونه دولتی هستند، به فرقت بلند است. تلاش برای پنهان کردن کون برهنه دولت نه جایی را می‌گیرد و نه درست است. از طرف دیگر سیاستمداران فعلی افغان در برابر سخنانی مانند فاسد و دروغگو و بی‌کفایت و متقلب و امثالهم، چون می‌دانند که این سخنان دروغ نیستند، و از جانی چون این سخنان زیاد گفته شده و زیاد به گوش‌های شان رفته است، معافیت پیدا نموده‌اند. همه سیاستمداران فعلی ما در کار شان استاد هستند. این‌ها می‌دانند که سخنان بی‌پشتوانه مردم مانند کاهی بی‌دانه است که مردم به طور مستمر، ولی بی‌هوده آن را به دست باد می‌دهند. مردم از گفتن بسیار و از انتقاد مکرر از سیاستمدارانی که یک گوش را در و دیگری را دیوار نموده‌اند خسته و منفعّل خواهند شد، ولی این‌ها از فساد و دویی‌گری و بیگانه‌پرستی و کشمکش بر سر قدرت و گرد آوردن ثروت خسته و منفعّل نخواهند شد. "کامرون" حرف نابجایی نزده است؛ نه آن دو یا سه معترضی که در برابر محل کانفرانس مبارزه با فساد در لندن آقای اشرف غنی و امثال وی را فاسد و دروغ‌گو خطاب کرده‌اند.

توقع این بود که مردمان وطن دوست و حق بین، آنانی که در فکر نجات کشور از پنجه شیادان سیه‌کردار هستند و می‌خواهند که آرامش و امنیت به کشور بر گردد و مردم در یک فضای مملو از صمیمیت و برادری به سر ببرند و دولتی داشته باشند که در فکر ملک و ملت و آبادی باشد، باید به جای این که بر معترضان آقای اشرف غنی خشم می‌گیرند، به کسانی که فرزندان راستین و دلسوز افغانستان خوار و فقیر هستند، و هزاران افغان دیگر مانند این‌ها، آفرین بگویند و در کنار شان بیایند و از آن‌ها دفاع کنند.

با منت‌های درد و تأسف در طول هفتاد سال زندگی کمتر انسانی را دیده‌ام که با چنین لامبالی و گستاخی و جسارت به بهانه عزت و آبروی افغانان برای کتمان حقیقت کوشیده به دهن انسان‌های راست‌گفتار و راست‌کردار زده و به حمایت دزد و طارق و طرار و دروغ‌گو و متقلب و عهد شکن و خیانت‌گر پرداخته باشد.

اعتراض کسانی که به دولت خرده می‌گیرند، به آبرو و حیثیت و عزت ما لطمه وارد نمی‌کند؛ اگر دولت کرزی و غنی آبرو و عزتی برای ملت باقی مانده باشد! "کامرون" پیش از این که آن دو سه نفر آقای اشرف غنی را فاسد و دروغ‌گو خطاب کند، وی را فاسد خطاب نموده بود. معنی این سخن اینست که جهان از تمام سیر و پودینه سیاستمداران ما خبر دارد. بی‌هوده مردم را ملامت نکنید. اگر در فکر آبرو و عزت مردم و نجات کشور هستید، جرأت کنید و حق را بگوئید و در کنار حق و حقیقت وایستید و داد مادر وطن را که از سالیان دراز به دست بیدگران هرزه‌هزاران جراحت بر هر عضوی از پیکر آن وارد آمده است از این بیدادگران خیانت‌پیشه بستانید! باز هم می‌گویم: اگر؟!

۲- درد و بیماری افغانستان عمر درازی دارد. قرن‌ها و گاهگاهی یکی آمده و به جای این که این بیماری را از ریشه نابود کند و دردی را که عاید وی گردیده است از بیخ و بن علاج نماید، با نوشتن چند دانه مُسکِن، کلخی مانده و از آب عبور کرده است. نوشته داکتر صاحب شهیر هم طوری که دیده می‌شود یکی از همین نسخه‌هایی است که می‌توان گفت برای تسکین درد این مردم کشور نوشته شده است، نه برای بیخ کن کردن مرض.

تاریخ شاهد است که هیچ کشور و هیچ انسان و هیچ ملتی نازپرورده و مفت‌خور و تنبل، ملتی که دهنش به سوی آسمان باز بوده و دستش به سوی دیگران دراز، نتوانسته خود را از بدبختی و فقر و بینوائی بیرون بکشد. همان گونه که انسان‌ها برای دست یافتن به یک زندگی مرفه و با نوا و نام و نشان و آبرو و افتخار و احترام به کار و زحمت و تلاش نیاز دارند، ملت‌ها هم برای این که زنجیر اسارت و بندگی را از دست و پای خود دور کنند و به نام و نان برسند، باید شانه خود را خوار کنند، زحمت بکشند و خود را به آن جایی برسانند که لایق یک ملت صاحب شأن و محترم است. تکنی آبروی مردم را می‌برد. تبلیغ تن‌پروری و

کاهلی و چشم به جیب دیگران دوختن و به امید دیگران زندگی کردن جز خواری چیزی نصیب کسی نمی کند. بگذارید مردم خواری بکشند. خواری کشیدن یگانه راهی است که مردم را بیدار و متوجه زندگی و فقر خود شان می سازد. کسی که اسبش در کمند است و نانش در کارخانه هیچ وقت در فکر کار و از آبله دست خود خوردن نمی افتد. چنین انسانی تا عمر دارد زندگی را با کاهلی می گذراند و با مفت خواری عادت می کند. در جامعه شناسی اصطلاحی وجود دارد که به زبان ما به آن "تله فقر" می گویند. این اصطلاح در کشورهای پیشرفته به حالتی گفته می شود که بعد از کمک های طولانی (مدت ده سال معین شده است) دولت، بیکاران بدان مصاب می شوند. یعنی وقتی شخصی چندین سال پیهم کار نکند و از دولت کمک بگیرد، چنان به بیکاری عادت می کند که با هیچ کوششی امکان راضی ساختن وی به کار و بر سر پای خود ایستادن میسر نمی شود. چنین شخصی تا عمر دارد با همان کمک دولت گذاره می کند و هیچ وقت تمایلی برای کار کردن نشان نمی دهد. کمک های کشور های خارجی در قدم اول، ملت تنبل ما را بیشتر از پیش تنبل می سازد و در قدم دوم، این کمک ها هیچ وقت آنگونه به مردم بینوای ما نمی رسد که آن ها برای همیشه از فقر و بینوائی و رنج و احتیاج نجات پیدا کنند. هر چه می آید، راه به کیسه های بزرگ دزدان قارون صفت می یابد. قارون ها قارون تر می شوند و بینوایان بینواتر. بناءً بهترین راه برای بیدار ساختن یک ملت تنبل و خواب زده و بی حس و تخیل شده این است که گرسنگی بکشد و سختی ببیند و با فقر و بینوائی دست به گریبان باشد تا هم متوجه تنبلی و فقر و بینوائی خود شود و هم متوجه شکمباری های قارون صفت بیدادگر دزد مختلس حيله گر دروغگوی و استفاده جو. آهن را آتش و آب به فولاد تبدیل می کند. در حدود شانزده سال است که بدون انقطاع پول به کشور ما سرازیر می شود. این همه پول به جیب که ها رفته است؟ تا فقر و ناداری و بی نوائی استخوان سوز به استخوان مردم نرسد، نه مردم در برابر این بیدادگران فاسد می ایستند و نه در فکر نجات خود و کشور شان می افتند. نسخه یک طبیب حاذق باید حاوی این دواى تلخ باشد، نه آن دواى شرینی که درد مردم را برای چند ساعت یا چند روز تسکین ببخشد.

پیر آن عده از انسان ها را که کارد به استخوان شان رسیده است و روز به روز فریاد شان از درد، از فقر و بینوائی و بیداد و از دست حکومت های فاسد به آسمان بلند و بلند تر می رود، نباید با اندرزهای پیامبرگونه و به نام حفظ آبرو و عزت خواباند. بگذارید مردم حرف دل شان را بزنند. بگذارید مردم بدانند که عامل بدبختی و فقر و غم و رنج شان کیست. بگذارید مردم تحت فشار، محتاج و رنج کشیده ما یکبار و برای همیشه خود را از شر این همه سیاستمدار خود بین و خود محور و دزد و دشمن وطن و همکاران جادوگر و دین فروش شان خلاص کنند، اگر در فکر مردم هستید. به لحاظ خدا، دهن مردم را مبنیدید!!